

افراطی گری

و

خاورمیانه

مؤلف

رضا حسنعلی

سرشناسه: فضلعلی، رضا، ۱۳۴۰ -

عنوان و نام پدیدآور: افراطی‌گری و خاورمیانه/ رضا فضلعلی.

مشخصات نشر: تهران، رضا فضلعلی، ۱۳۹۶

مشخصات ظاهری: ۲۵۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۷۲۳۸-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: این کتاب برگرفته از پایان نامه دانشگاه آزاد واحد الکترونیکی می‌باشد.

موضوع: ستیزه جویان مذهبی

زبان: عربی، ۲۰۱۰ م

موضوع: خاورمیانه - سیاست و حکومت - قرن ۲۱ م

رده‌بندی کنگره: ۱۳ الف ۶۴۳/۱ VDS

رده‌بندی دهی: ۲۰۸ ۹۰۹/۰۹۷۴۹

شماره کتابشناسی ملی: ۵۳۱۵۸

کتاب افراطی‌گری و خاورمیانه

رضا فضلعلی



صفحه آرا: معین دلاوری

طراح جلد: علی عشقی

نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۳۹۶

شمارگان: ۵۰۰ جلد

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

پیشگفتار

۹

مقدمه

۱۱

فصل اول: چارچوب نظری و تاریخچه بحث

۱۵

مقدمه

۱۶

چارچوب مفهومی

۲۱

دلائل بحران‌ها

۲۱

بحران اجتناب‌ناپذیر

۲۳

منطق اقدامات جرمی

۳۴

علل محیط بحران و انواع آن

۴۲

بحران مشروعیت

۴۷

سوء حکومت نخبگان و فشار و سرکوب

۴۷

نوسازی و بحران فرهنگ

۴۸

جریان شناسی اسلامی

۵۲

ویژگی‌های عقاید بنیادگرایان از دیدگاه دکمچیان

۵۶

رویکردها و نگرشها

۵۸

نظریات عمده در ادبیات بنیادگرایی

۶۲

آثار سیاست استعماری بر جوامع اسلامی

۶۳

هدف اصلی جنگ مواضع در اندیشه گرامشی

۶۸

انگیزه اقدامات جمعی

۶۹

۶۹	دامنه وسیع اقدامات
۶۹	مفهوم اقدام جمعی
۷۱	ارزیابی
۷۷	فصل دوم: عوامل و زمینه‌های بروز بحران (داخلی و خارجی)
۷۸	پقدمه
۷۹	بامعه‌شناسی سیاسی جنبش‌های اسلامی (زمینه‌های ظهور)
۱۴۹	آزادسازی بحرایی
۱۴۹	آزادسازی ملی
۱۵۰	تثبیت اقتصاد آزادسازی و نابرابری
۱۵۱	جهانی‌شدن فرهنگ
۱۵۱	تجزیه دولت
۱۵۲	فنارهای فراملی و پاسخ‌های ملی
۱۵۳	نگاهی به چند کشور:
۱۵۳	مصر
۱۶۱	افغانستان
۱۶۵	بحرین
۱۶۹	عراق
۱۷۸	تونس
۱۸۰	یمن
۱۸۳	سوریه
۱۸۷	دیگر کشورهای عربی
۱۹۲	ارزیابی

۱۹۵	فصل سوم: علل ظهور گروه‌های افراطی‌گری مذهبی در خاورمیانه
۱۹۶	مقدمه
۲۰۱	بنیادگرایی نو
۲۰۹	معنای سلفی و جریانهای سلفی
۲۱۰	انواع جریانهای وهابی‌گری
۲۱۲	جریان‌های چهارگانه سلفیت:
۲۱۵	نگاهی به سیر تحول طالبان، القاعده و داعش
۲۲۱	تشکیل دولت اسلامی عراق
۲۲۶	هویت انواع مختلف آن در خاورمیانه
۲۲۷	هویت‌های نوین در منطقه نفت
۲۳۷	روش‌های مطرح کردن هویت
۲۴۳	ارزیابی
۲۵۰	کتابنامه

پیشگفتار

جریان‌های افراطی در گوشه و کنار جهان به شکل‌های مختلف خود را نشان داده و می‌دهند. بعضی مواقع این جریان‌ها در کشورهایی بنام بیداری اسلامی، یا بهار عربی و گاهی اعتراضات به شکل فردی، گروهی و سنتی به نمایش در می‌آید. آن چیزی که مسلماً غیرقابل اغماض است این است که جامعه سنتی در گذار به جامعه مدرن، زمینه را برای بروز بحران‌ها بوجود می‌آورد. با شکل‌گیری دولت‌های مدرن، بعد اجتماعی و نقش مردم در حکومت‌های جهان اسلام بسیار پررنگ‌تر شد. این عاملی است که مفرد بحران را در تغییرات اجتماعی باعث می‌شود. درگیری و تنش اجتناب‌ناپذیر می‌شود و اینکه آیا می‌توان این بحران را مهار یا مدیریت کرد، یا تبدیل به فتنه‌ای که در درون حکومت و خصوصاً منطقه خاورمیانه وجود دارد، این جنبش‌ها به وسیله خود افراد و به موازات آن توسط گروه‌هایی که خود را کاملاً در جایگاه «حق» می‌دانند و دیگران را نیز «باطل» می‌دانند هدایت می‌شوند. در بیشتر کتابها و مقالات و اظهار نظرها افراد یک یا چند عامل خاص را باعث این افراطی‌گری‌ها معرفی می‌نمایند. در این نوشتار تلاش می‌کنیم که تمامی مایه‌ها را کدام در جایگاه خود باعث این نابسامانی شده است. گاهی عامل خدای تعالی، بمانی عوامل داخلی از قبیل اقتصادی و شکاف نا متعارف بین مردم اقتصادگرایی و شکنندگی دولتها، عدم مشروعیت و در عین حال عدم مشارکت مردم در امور و گرایشات قومی و قبیله‌ای، ضعف فرهنگی و به حاشیه رانده شدن عده‌ایی از متن و مهمترین آن بحران هویت است که افراطی‌گری شکل می‌گیرد و هم چنین پایداری می‌کند. در تمامی تحقیق سعی می‌کنیم که علل ظهور گروه‌های تندرو اسلامی و دلایل پایداری آنها و اینکه با این

اعمال که دل هر انسانی را بدرد می‌آورد، چگونه افراد حاضر به همکاری با این گروه‌های افراطی می‌شوند بررسی شود. سرنوشت و آینده این گروه‌ها چگونه رقم خواهد خورد؟ چگونه «هویت» مورد حمله قرار گرفته و اکثر این اعمال، عکس‌العملی به فشارها، کمبودها و به حاشیه کشیده شدن‌ها است. زمانی حکومت‌های نظامی و رانتی، با تحکیم نیروی پلیسی و امنیتی خویش و پاسخگو نبودن به مردم و با از بین رفتن مشروعیت خود، مجبور به افزایش اقتدار داخلی و ضعف خارجی می‌شوند. در این بین استثمار خارجی - غرب با مطرح کردن «خود» و «دیگری» می‌خواهد حقیقت را پنهان کند. در عین حال عوامل و زمینه‌های بروز بحران را بررسی می‌کنیم و بدنبال پاسخ این سوال که چرا شکل اقدام جمعی گروه‌های بنیادگرا و اسلام‌گرا در یک جامعه و در طول زمان به یک صورت نبوده است؟ بیشتر بحث‌ها در تقابل مجدد و سنت صورت گرفته و البته غربیان بحث اسلام‌گرایی را در گفتار بنیادگرایی مطرح کرده‌اند. عده‌ای نیز بدنبال ریشه‌یابی در تاریخ، اقتصاد و اجتماع هستند. تاکید بر آن داریم که عمل فردی و جمعی گروه‌های اسلامی - یانه را یا افراطی را از هم جدا باید بررسی کرد. "خورشید احمد" وجود بدنه‌ها را به گونه‌ای بررسی می‌کند که بیشتر تجدید حیات طلبی اسلامی را مرکز این بحران می‌بیند. "دکمجیان" نظریه «ادواری» خود که بیشترین بحث با محور ایشان می‌باشد، مطرح می‌کند. اینکه در یک بحران اجتماعی در مفهوم کلیدی «سقوط» و «رستاخیز» پاسخهای مسلمانان در دوران‌های مختلف بوده است، سقوط یک پاسخ است در برابر یک ظهور.

مقدمه

ترور و خشونت در گذشته یک موضوع داخلی و ملی به حساب می‌آمد و امروزه جهان بعزت به حاشیه رفتن عده‌ای به یک چالش بین‌المللی تبدیل شده است. افراطی‌گری، صلح، امنیت و آرامش جهانی را به مخاطره انداخته است و شاید اجماع جهانی به همین دلیل باشد. این چالش مربوط به یک زمان کوتاه و در یک سرزمین خاص پدیدار نشده است، چرا که قربانیان و کشته‌شدگان حتی در مواقعی در سرزمین‌هایی این تبعیض‌ها خود را در عربستان جهانی نیز مطرح نموده است که یا به صورت نظامی و یا در بعضی مواقع مسالمت‌آمیز موضوع تمام شده بنظر رسیده است. در واقع افراطی‌گری و خشونت هر دو گوناگونی مانند بشر دوستانه، محیط زیست، امنیت فردی، منطقه‌ای، بان‌المللی و صلح پایدار داشته، به خود گرفته است. البته از این قبیل مسائل در کشورهایی که نظامی‌گری و یا اقتدارگرایی با استبداد همراه است بیشتر چهره خود را نشان می‌دهد. بسیاری از ابرقدرتها و صاحبان قدرت از این منافع به نفع خود سود می‌برند، چرا که به اذعان اکثریت صاحب نظران، گروه‌های تروریستی مذهبی مثل القاعده و طالبان صرفاً ساخته و پرداخته این قدرت‌ها و چون آمریکا و بعضی از کشورهای منطقه هستند. اما این موضوع را نباید گمراه کند که نه تنها وجود این گروه‌ها و ادامه حیات آنها فقط به قدرتهای دیگر بستگی دارد، بلکه علل و عوامل دیگری در پیدایش و گسترش و ادامه حیات آنها نیز موثر است.

"فرد هالیدی" بین اسلام و اسلام تفاوت قائل است. از یک سو اسلام به عنوان یک دین با عقاید خاص خود درباره سرنوشت اخلاق و معنا و در کل مسائل فوق طبیعی و از سوی دیگر اسلام به عنوان یک نظام اجتماعی و سیاسی (haliday,2003) هر چند کسانی مانند "اسپوزیتو" اسلام را یک سکه دو رو از دین و دولت می‌بیند. اما هر دو طرز تفکر به این نتیجه می‌رسند که اسلام و سیاست می‌توانند عمیق باشند. برای مثال آمریکا در اواخر جنگ سرد، از گروه‌های بنیادگرایی همچون القاعده و صابا در افغانستان برای جلوگیری از پیشرفت شوروی بسیار حمایت مالی و دعوی کرد اما پس از جنگ سرد این گروه‌های افراطی مذهبی قدرتهای غربی را نیز هدف حملات خود قرار دادند. شاید تا ۱۱ سپتامبر این گروه‌ها فقط به کشورهای دیگر بجز آمریکا حمله می‌کردند اما از آن زمان به بعد غرب خود را در معرض خطر جدی افراطی‌گری و تروریسم می‌دید و غرب و در راس آنها آمریکا با لمس کردن این خشونت به این نکته اساسی پی برد که ارزش‌ها و نمادهای جهان غرب، هدف حملات این گروه‌های ساخته دست خویش درآمده است. بنابراین بهانه افغانستان و در ادامه آن عراق را نیز اشغال کردند. لیکن آنها نتوانستند به این نتیجه پی ببرند که تنها راه مبارزه با خشونت و افراطی‌گری راس نظامی نمی‌تواند باشد. هدف این تحقیق نیز دقیقاً بررسی ریشه‌ها و عواملی است که این گرایشها را به وجود می‌آورد و زمینه ساز بسترهای رشد و خشونت و ترور در جهان، خصوصاً در خاور میانه و بالاخص در کشورهای اسلامی می‌شود.

به جرات میتوان گفت که فقر فرهنگی و توسعه نیافتگی و عقب ماندگی از هر جهت به عوامل و شرایط گوناگونی بستگی دارد. در هیچ مقطعی مانند زمان کنونی نمی توان شبیه این پدیده در علوم سیاسی و روابط بین الملل مثل شورش ها، جنگ ها، انقلاب ها، کودتاها و... را پیدا کنیم به همین دلیل مسلم باید موضوعی جدید تحت عنوان: "تروریسم شناسی" در محافل و مجامع علمی مطرح نماییم. باید بیان کرد که تحت عنوان تروریسم و خشونت و جنگ با آن و به همین بهانه و انگیزه اقدامات فراوان دیپلماتیک و جنگ تبلیغاتی و ارتباطی ملی و بین المللی مطرح شد، که البته مسائل دیگری را نیز در اشاعه این پدیده می توان بیان نمود. برای نمونه عواملی سیاسی مانند رژیم های استبدادی و غیر دموکراتیک و یا خلاء قدرت و ضعف حکومت های داخل، بی توجهی به خواسته های به حق مردم و یا عوامل اجتماعی مانند: بی سوادی، تبعیض، محرومیت و همین طور عوامل اقتصادی از قبیل فقر، بیکاری و عامل مذهبی و برداشت های شخصی از مذهب.

ترور و خشونت با اشکال مختلف با پیدایش انسان موجودیت یافت و محسوس ترین فرآیند آن نیز ایجاد بی ثباتی و تزلزل در روابط میان انسان ها و به تبع آن بی اعتمادی نسبت به عواطف و احساسات بشری و نوع دوستانه می باشد. تروریسم موضوع و پدیده جدیدی نیست. ترور و خشونت یک ایدئولوژی یا جنبش سیاسی نیست. آن یک پدیده ضد ارزش، در برابر ارزش های موجود است که باید از این منظر به آن نگاه عمیق تری انداخت. در نگاه آنان جهاد تعطیل نیست و هر نسل می باید مسئولیت خود را بدون

توجه به نتایج احتمالی انجام دهد. در واقع شکست و پیروزی وقتی در دستگاه این افراط‌گرایان مذهبی قرار می‌گیرد، هر دو یک معنا پیدا می‌کند و پیروزی تلقی می‌شود. نوعی تنوع فکری، ارزشی و کارکردی در میان جریان‌های اسلامی حاکم است. همین تنوع، سبب بروز نوعی کثرت‌گرایی عملی در میان آنها و در نمودشان نسبت به جهان اطرافشان شده است و نوعی جریان به لحاظ رابطه عقل و خشونت در بین آنها وجود دارد که البته معیارهای گوناگونی به قول "عبدالعلی قوام" مانند: زبان، عقلانیت، اینتولیری، خشونت نسبت به تمامی جهت‌گیری‌ها را می‌توان برای آن یافت و "حمید سبیت" نیز به سه جریان متجددان، نوگرایان دینی و میهن پرستان اشاره می‌کند. "مرتضی مطهری" نیز به سه جریان فکری، اجتماعی و فکری اجتماعی بکشد و "هرایردکمیجان" شکل‌گیری جریان‌های اسلامی را در پاسخ به شکست عثمانی در سه دسته متجددان، روشنفکران مذهبی و بنیادگرایان اسلامی تقسیم می‌کند.